



بدعت‌هایی که نه آموزش رفتگان دارد نه آرامش بازماندگان

# مراسم ختم در گوشه‌های دنج لواسان بدون مزاحم؟!

**محبوبه قربانی**

در زمان‌های قدیم رسم بود از خانه صاحبان عزا دود پخت غذا بلند نمی‌شد. یعنی صاحب عزا تا هفت روز غذایی نمی‌پخت. بستگان و همسایه‌ها به خانه او می‌رفتند و برای آنها غذا و ملزومات می‌بردند. عده‌ای هم در امور خانه و گذران زندگی آنها را یاری می‌کردند. در این هفت روز علاوه بر مراعات حال صاحبان عزا کارهایی هم برای آموزش و شادای روح متوفی انجام می‌شد. چرا که طبق روایات ایام سوم، هفتم و شب‌های جمعه هر ماه و سال، ارواح با اهل خانه و بازماندگان ملاقات دارند و به دیدن بدنشان می‌روند و برایشان حالت نگرانی و ناراحتی پیش می‌آید بنابراین هر نوع توجه به روح متوفی از خیرات، صدقات، طلب مغفرت، نماز، روزه و اطعام در این ایام، موجب خوشحالی آنها و کم شدن هم و غم آنها می‌شود. علاوه بر این، روح عاطفی و انسانی هر کسی حکم می‌کند به آن روح متوفی احترام کند. در روایتی آمده است، پیامبر (ص) به احترام یک جنازه یهودی ایستاد تا جنازه رد شود. به حضرت عرض کردند «این متوفی یهودی بود» حضرت پاسخ داد: «با انسان نبود؟» هنگامی که حضور روح یهودی مورد احترام پیامبر (ص) است، پس بزرگداشت ارواح مؤمنین در ایامی که حضور پیدا می‌کنند، به طریق اولی باید مورد احترام قرار گیرد. این روزها کافی است جست و جویی در اینترنت کنید تا کلی لیست تالارهای لوکس برایتان ردیف شود. اشتباه نکنید این تالارها برای برگزاری مراسمات جشن و شادی نیست، تالارهای لوکس برای برگزاری مراسم ترحیم است!

## خواننده به جای مداح!

مرسوم بود تمام مراسم ختم در مساجد گرفته شود تا شاید دلی به مسجد گره بخورد و او مسجدی شود و اگر این اتفاق می‌افتد توباش برای متوفی و بازماندگان ثبت می‌شد. اما رفته رفته به بهانه کثیف شدن مساجد سالن مراسمات ساختند. از همین جا بود که یکی یکی بدعت‌ها شروع شد.

یکی از آن سایت‌ها را باز کردم. کلی اطلاعات به خواننده می‌داد تا اگر عزیزی فوت کرد چگونه و چطور مراسم ترحیم متوفی را با کلی تنوع و تجملات برگزار کنیم در منوی خدمات آنها اجرای مراسم با خواننده همراه با آلات موسیقی به جای سخنران و مداح بودا جالب‌تر و تعجب برانگیز تر اینکه یک سایت پیشنهاد داده بود: «می‌توانید از باغ تالارهای لواسان استفاده کنید چون هم مکان‌های دنج‌تری دارند و هم سخت‌گیری‌های امکان‌ناپذیر داخلی شهری را ندارند!» مگر فکر استخوانه متوفی برای دست دادن عزیزان چه کار کند که با تالاری در یک مکان دنج رزوه کنند؟!

این سایت حتی نوع برگزاری ختم لاجری در بهشت زهرا (س) را نیز پیشنهاد داده بود: برای برگزاری مراسم ختم لاجری در بهشت زهرا یا سایر آرامگاه‌ها انواع لوازم گوناگون وجود دارد. معمولاً زیر پای میهمانان فرش یا از آن بهتر چمن مصنوعی قرار می‌دهند. برای میز ختم از گل آرایبی و همچنین می‌توانید از تاج گل‌های بسیار لاجری و زیبا استفاده کنید. می‌توانید برای اجرای مراسم به جای مداح و روحانی از خواننده مخصوص ختم لاجری استفاده کنید و خواننده‌ها برای اجرای بهتر و سوزناکتر از آلات موسیقی مثل دف و نی استفاده کنند و در صورتی که مسئولان بهشت زهرا (س) سخت گرفتند می‌توان از آهنگ خام به شکل ضبط شده استفاده کرد. آهنگ‌هایی نظیر «بوی گل نیومد» و «برام هیچ حسی شبیه تو نیست» و «گلچین روزگار»...

## ورود آلات موسیقی به بهشت زهرا (س) ممنوع!

بهشت‌زهرا (س) یکی از بزرگ‌ترین آرامستان‌های جهان اسلام و بزرگ‌ترین آرامستان بعد از وادی‌السلام است. چطور می‌شود آلات مکانی که محل دفن بسیاری از شیعیان است مراسمی در خور و شایستگی یک شیعه نگرفت و به جای قرآنت قرآن و ذکر مصیبت اهل بیت (ع) خوانندگی کرد آن هم با آلات موسیقی! به گفته مدیر اسبق خدمات شهری بهشت زهرا (س) ورود کلیه آلات موسیقی به آن مکان ممنوع است. مهندس یوسف اسکندر زاده در این باره گفت: «طبق دستورالعمل‌ها و مصوبه شورای شهر تهران، ورود انواع آلات موسیقی به بهشت زهرا (س) به جهت اینکه مکانی اعتقادی است ممنوع است. اما گاهی در بعضی مراسمات استفاده از این آلات دیده می‌شود که معمولاً در ساعات بعد از ظهر است و به خاطر شرایط خاص آن مراسم که توأم با حزن و اندوه است، تذکر دادن و مقابله جایی ندارد. چه بسا اگر تذکر هم داده شود همکاری نمی‌شود.»

او با اشاره به وسعت ۴۰۰ هکتاری بهشت زهرا (س) و تدفین روزانه حدود ۱۲۰ متوفی در این مکان گفت: «کنترل مراسمات به دلیل فشار کاری و پراکندگی قطعات سخت است به همین خاطر همکاران بعضی اوقات حین اجرای مراسم متوجه استفاده از آلات موسیقی می‌شوند که

دیگر جای حرف و تذکر نیست.»

وی در پایان اطلاع رسانی ممنوعیت استفاده از آلات موسیقی در بهشت زهرا (س) و آگاه‌سازی خانواده‌ها را یکی از موارد مؤثر اعلام کرد و اظهار داشت: «هرچند این ممنوعیت‌ها در سایت بهشت زهرا (س) و به صورت بنر در قسمت عروجیان و در قطعات مختلف اطلاع‌رسانی شده است اما بسیاری از خانواده‌ها هنوز از این قوانین اطلاع ندارند. همچنین وقتی یکی از اعضای خانواده متوفی برای انجام کارهای اداری تسنیل می‌آید، بر گاهی از امضا می‌کند که در آن ممنوعیت برگزاری چنین مراسماتی آمده است اما آنها در شرایطی هستند که بر گره از مطالعه نکرده امضاء می‌کنند.»

## روایت شواهد عینی

می‌گویند افرادی که اعتقادات مذهبی کمتری دارند و از طبقات بالای اقتصادی برخوردار هستند، ترجیح می‌دهند اینگونه مراسمات را متفاوت برگزار کنند. جالب‌تر از آن شنیده می‌شود می‌خواهند سطح خانواده خود را به رخ بکشند. این پدیده است آنها حتی با فوت عزیزشان و اینکه او با داشتن کلی مال و اموال تنها چند متر چاره را با خودش برده است درس عبرت

## بازگشت پول‌ها به جیب چه کسی است؟

# خرید آبرو و اعتبار با میت در گور خفته!

باید چندین مدل غذا سفارش دهند و پذیرایی کنند!

## ماهگیری مؤسسات از آب گل آلود!

تشریفات و تجملات تا جایی گسترده شده که مؤسساتی هم برای گرفتن ماهی از آب گل آلود به میان آمدند و برای انجام تشریفات خود، بیلبوردهای شهر را اشغال کردند. جوان در گفت‌وگو با یکی از مؤسسات پذیرایی که نزدیک بهشت زهرا (س) تهران نیز هست لیستی از خدمات ارائه شده این مؤسسه را دریافت کرده است. جالب است در این لیست، خوش آمدگویی لای جزو خدمات اضافه معرفی شده است. میز یادبود با گل و شمع آرایبی، گل ورودی، گل جایگاه و گروه موسیقی، مداحی با انواع سازها از قبیل نی و دف هم در این لیست دیده می‌شود.

کاش ماجرا به تحمل ختم می‌شد. چندی پیش در یکی از کلیسایهای منتشر شده در فضای مجازی، مادری که به تازگی داغ جوان دیده با موزیک یک خواننده خیلی آرام و متین در حال رقصیدن میان دوستان جوان فرزندش است و دوستان متوفی نیز گرد مادر جمع شدند و رقص او را نظاره گر هستند.

تجمل‌گرایی در مراسمات ترحیم خودنمایی می‌کند. قبر و سنگ قبر، مکان‌های برگزاری و تاج گل‌ها هر روز گران‌تر و شکیل‌تر می‌شود، تا جایی که کسی چندان به فکر میت نیست بلکه همه در پس این مراسم به دنبال خریدن آبرو و اعتبار برای خود هستند. اسراف، تبذیر، ریخت و پاش بی‌مورد، خرج کردن‌های بی‌برنامه، چشم و هم‌چشمی‌ها، تحمل‌گرایی و بی‌توجهی به قناعت، اگر نگوئیم یک بیماری روحی و روانی است، به طور قطع یک بیماری اجتماعی است که از یک سو ممنوعیت را در افراد نشانه گرفته و از سوی دیگر، به یک معضل برای جامعه تبدیل شده است، طوری که آرام آرام ناخنجار به عنوان هنجار جا می‌افتد.



نگرفته‌اند و همچنان به فکر رخ کشیدن و رخ نشان دادن هستند. یکی از بازماندگان متوفایی که چندی قبل باز دست دادن پدرش در یکی از تالارهای مجلل جنوب شهر مراسمی همراه با خواننده و آلات موسیقی گرفته بود می‌گفت: «می‌خواستیم با برگزاری چنین مراسمی برای پدر عزیزم احترام بالایی قائل شویم و اعتبار او و خانواده خود را نشان دهیم.» بعضی افراد هم فکری می‌کنند با گرفتن مراسم مجلل آرزوی انعام متوفی را به سرانجام می‌رسانند. یا فکر می‌کنند مداح و سخنران فقط برای مراسم فوت پیرمرد و پیرزن است و برای جوان باید خواننده و موسیقی تالار برای میهمان‌ها بدرخشند! این آرزو برای دخترم به سرانجام نرسید! او عقد کرده بود که از میان ما پر کشید. این شد که از شوهر و داماد خواستم مخرجی که می‌خواستند برای عروسی دخترم خرج کنند را حالا برای مراسم فوتش خرج کنند. به آنها گفتم دخترم تازه عروس بود باید به جای مداح خواننده بیایند با موسیقی!»

شنیدن صحبت یکی از بستگان پیرمرد ۸۰ ساله‌ای که بر اثر بیماری سرطان از دنیا رفته بود هم شنیدنی بود. او می‌گفت فرزندان پیرمرد در طول یکسالگی که او بیمار بود از یک سرزدن مختصر هم دریغ کردند.



گرفته‌البته که مردن راحت نیست و آنچه می‌ماند اعمال و رفتار ما زیر خاک است. به هر حال حرف از سخت شدن مردن برای ترویج این حجم از تشریفات و تجملات است، به حدی که گویا مراسم عزاداری برای میت در رقابت نزدیکی با مراسم عروسی است. طبق پرسش جوان از بازار گل محلاتی تهران بیشترین درآمد این قشر از تزئین ماشین عروس برای عروسی و تاج گل برای مراسم عزاست. طبق گفته یکی از فروشندگان، گل ارکیده گران قیمت برای تاج گل سفارش می‌دهند که هزینه تاج را تا چند میلیون افزایش می‌دهد. رقابت عجیبی در تاج گل وجود دارد. به خصوص اگر متوفی فرد بازاری بوده یا سمت مدیریتی داشته باشد، این رقابت نزدیک‌تر است، به حدی که سستگین‌ترین گل‌ها و تاج‌ها برای مراسم سفارش داده و راهی محل تدفین یا منزل مرحوم و مرحومه می‌شود. به هر حال اسمی که روی تاج گل زده بدون استثنای بزرگ از همدری است. هر چند همه بدون استثنا می‌دانند چنین کاری اسراف، چشم و هم‌چشمی و تحمل است اما باز هم کمتر کسی شجاعت کتاره‌گیری دارد.

اگر چنین و چنان نکنیم، حرف مردم را چه کنیم؟ صدای شیون بلند می‌شود. گریه‌های بی‌امانی که از دو حال خارج نیست؛ یا مرگ عزیز از دست رفته چنانکه است یا به هر حال کار برای متوفی گریه و شیون سر ندهند، مردم چه می‌گویند همین یک جمله زندگی‌های ما را به ورطه نابودی کشاند: «مردم چه می‌گویند؟! پدری، مادری، برادری، خواهری، همسری، فرزندتی از دنیا رفته و فرزندان در غم از دست دادن قاعدتاً باید به عزاداری بنشینند و تلاش کنند تا از همان لحظه اول روح متوفی آسان‌تر از زمین مفارقت کند. همه در جنب و جوش هستند. یک نفر دنبال خرید تاج گل، دیگری



دنبال جای خاصی برای چسب اعلامیه روحی، یک نفر به تیب خودش برای فردای خاکسپاری فکر می‌کند که فلان شخص مهم را می‌بیند. سایر بستگان دنبال لباس آنچنانی و البته می‌ماند اجاره سالن برای مراسم سوم و شب هفت تازه در گذشته که جای خود دارد. تجملات وارد دنیای اموات هم شده است. سبک و سیاقی تشریفات به گونه‌ای پیش رفته است که گویا مردن هم دیگر راحت نیست و هزینه‌های سرسام آوری به خود

**نیره ساری**

فرقی نمی‌کند چه کسی و کجا و در چه جایگاهی باشد! از قدیم گفتند شتری است که مقابل منزل همگان می‌خوابد، عزرائیل

بالاخره قرار است روزی در گوشه‌ای از این جهان هستی مأمور شود که جان ما را بگیرد و به خانه ابدی رهنسار مان کند. این شروع ماجرای است که خانواده داغ‌دیده و مصیبت زده با آن مواجه می‌شوند. قدم به قدم ادامه دارد تا تلاش‌ها به سمتی برود که این روزها کمتر کسی چندان بدین باطنی باشد که به خاک سپرده شده است! مگر قرار نبود با دیدن اموات به یاد خدا و قیامت بیفتیم، پس چرا گذر از قبرستان و شرکت در مجالس ختم و خاکسپاری به جای اینکه ما را از دل‌بستگی به دنیا فاصله بدهد بیشتر ترغیب‌مان می‌کند به چسبیدن به دنیا و مادیات؟!

## صاحبان مصیبت را به زحمت نیندازیم

به توصیه پیشوایان دینی‌مان اگر انسان میان شرکت در مراسم ختم یا یک میهمانی مردد باشد و چاره‌ای جز حضور در یکی از آن دورا نداشته باشد، بهتر است مورد اول را انتخاب کند؛ زیرا مجلس ختم، یادآور آخرت است. کسی متکرریم مرده چه برای خاک سپاری و چه بعد از آن که در اسلام تأکید فراوان شده است، نیست. همان‌گونه که گفتن تسلیت به بازماندگان و همراهی با آنها سفارش شده است، در عین حال تأکید شده تا صاحبان مصیبت را به زحمت نیندازند. جالب است که به سفارش اسلام خانواده صاحب عزا، نباید میهمانان شرکت کنند در تشییع جنازه و برگزاری جلسات ترحیم را اطعام کنند بلکه سفارش بر این است که همسایگان غذای خانواده داغ‌دیده را تهیه کنند.